

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته و بررسی کلام شیخ

عرض کردیم از مطارح مرحوم شیخ استفاده می شود که قصد وصول به ذی المقدمه را قید برای وجوب قرار نداده اند. مثل صاحب معالم که اراده ذی المقدمه را قید برای وجوب مقدمه قرار داد، مرحوم شیخ قصد وصول به ذی المقدمه را قید برای وجوب نداده است. بلکه قصد وصول به ذی المقدمه را بعنوان امتثال لازم می دانند و می گویند اگر کسی بخواهد مقدمه را امتثال کند قصد وصول به ذی المقدمه لازم است.

این فقط در مقدمات عبادی معنا دارد ولی در مقدمات غیر عبادی مرحوم شیخ حرفی ندارند. در مقدمات غیر عبادی همان نظر مشهور را قائل هستند. اما در مقدمات عبادی به علت اینکه قصد قربت لازم دارد و خود واجب غیری قابلیت امتثال ندارد، لذا برای امتثال آن قصد وصول به ذی المقدمه لازم است.

کلام ایشان را مفصل عرض کردیم و آخرین نکته ای که بیان ایشان بود و به آن اشاره کردیم ایشان فرمودند در باب مقدمه، حاکم به وجوب مقدمه، عقل حکم می کند به وجوب واجب غیری و باید بگوییم متعلق حکم عقل چیست؟ آیا عقل حکم می کند به اینکه ذات مقدمه واجب است، یا اینکه عقل می گوید مقدمه بما انها مقدمه و بعنوان مقدمیت واجب است؟

فرمودند حکم عقل روی ذات مقدمه نرفته، حکم عقل روی مقدمه به عنوان مقدمیت تعلق پیدا کرده است. لذا برای امتثال، آن مطلب را هم ضمیمه کنیم؛ در امتثال باید متعلق را قصد کنیم. اگر متعلق را قصد نکنیم امتثال تحقق پیدا نمی کند. چون متعلق، عنوان مقدمیت است، اگر بخواهیم امتثال کنیم باید بعنوان مقدمیت امتثال کنیم.

آنگاه شما بفرمایید قصد مقدمیت به مدعای شما دو تا است؛ مدعا قصد وصول به غیر است، قصد توصل به ذی المقدمه است. می فرمایند بین این دو انفکاک وجود ندارد. اگر عنوان مقدمیت را قصد کردید، این قصد به معنای قصد وصول به ذی المقدمه است. بین این دو انفکاک وجود ندارد. بین قصد مقدمیت و قصد وصول به ذی المقدمه انفکاک وجود ندارد. این بیان مرحوم شیخ است.

نتیجه کلام مرحوم شیخ

نتیجه گیری که از بیان مرحوم شیخ داریم این است:

اولاً: به هیچ وجه از عبارات شیخ استفاده نمی‌کنیم که ایشان قصد وصول به ذی المقدمه را قید برای وجوب قرار داده است، نه در ابتدا، نه انتها، و نه در ذیل کلام هیچجا عبارتی که اشکال به این مطلب داشته باشد که قصد وصول به ذی المقدمه قید برای وجوب است، یعنی بطوری که این قصد نباشد وجوبی در کار نیست، چنین چیزی به هیچوجه استفاده نمی‌شود.

روی این بیان اصلاً نمی‌توانیم بگوییم مرحوم شیخ مانند صاحب معالم با این قانون کلی تبعیت مقدمه اطلاقاً و اشتراطاً نسبت به ذی المقدمه مخالفت کرده است. خصوصاً اگر عبارت شیخ را ملاحظه کرده باشید، ایشان در همان اوائل مطلب، کلام معالم را نقل و رد می‌کند و در آخر تصریح می‌کند که مقدمه اطلاقاً و اشتراطاً تابع ذی المقدمه است. بنابراین نمی‌شود چنین چیزی را از مرحوم شیخ استفاده کرد.

مضافاً به این مطلب اگر مرحوم شیخ بخواهد قصد وصول به ذی المقدمه را قید و شرط برای وجوب بداند، همان اشکالی که خود شیخ بر صاحب معالم وارد کرد و این اشکال را قبلاً مفصل بیان کرده‌ایم همان اشکال بر خود شیخ هم وارد می‌شود.

شیخ در مورد صاحب معالم گفت که شما که می‌گویید وجوب مقدمه مشروط به اراده ذی المقدمه است، مکلف در عالم خارج اگر اراده کرده باشد، لازمه‌اش این است که این بعث مولا لغو باشد. چون شرط قبل از مشروط است، اراده اگر شرط شد، معنایش این است که عقل، اول باید اراده کند، بعد مولا نسبت به آن بعثی را متوجه کند. شیخ فرمود این محال است و تحصیل حاصل لازم می‌آید و بعث مولا لغو می‌شود.

اینجا هم همین‌طور است اگر مرحوم شیخ بخواهند بگویند وجوب مقدمه مشروط به قصد وصول ذی المقدمه است، قصد یعنی همان اراده، منتها صاحب معالم فرمود اراده ذی المقدمه، اینجا می‌شود اراده وصول به ذی المقدمه.

لذا همان اشکال بر مرحوم شیخ وارد می‌شود و عرض کردیم اصلاً هیچکجا از کلام شیخ چنین معنایی از آن استفاده نمی‌شود.

پس تا اینجا به نظر واضح است که مرحوم شیخ قصد وصول به ذی المقدمه را قید برای وجوب مقدمه قرار نداده است. ایشان قصد وصول به ذی المقدمه را شرط برای تحقق امتثال قرار داده‌اند و فرموده اگر بخواهد امتثال واقع شود، شرط آن این است که بوسیله این مقدمه قصد وصول به ذی المقدمه را داشته باشید. اگر بخواهید وضو را امتثال کنید عمل وضو را انجام دهید بعنوان مصداق امتثال و اطاعت خداوند، باید قصد یکی از غایات آن را داشته باشید. یا بوسیله وضو یکی از غایات وضو را قصد کنید حال نماز یا غیر نماز را.

لذا می‌فرمایند اگر کسی قبل از وقت وضو گرفت، نه برای خواندن نماز قضاء و نه برای غایت دیگری، حال وقت داخل شد و می‌خواهد نماز بخواند، نمی‌تواند به آن وضو اکتفاء کند، البته روی آن مبنا که استحباب نفسی را کنار بگذاریم.

می‌فرمایند برای اینکه بگوییم امتثال واقع شده باید بگوییم قصد وصول به ذی المقدمه را پیدا کند، آنگاه امتثال تحقق پیدا می‌کند، اما ممکن است در موردی کسی مقدمه را انجام دهد، اما بدون قصد وصول به ذی المقدمه باشد. ممکن است مثبت غرض مولا هم باشد، اما امتثال تحقق پیدا نمی‌کند. شرط امتثال این است که حتماً قصد وصول به ذی المقدمه داشته باشد.

عرض کردیم در ابتدای کلام مرحوم شیخ می‌فرمایند «انما الاشکال» در مقدمات عبادیه که تعجب این است که این مطلب را نه مرحوم آخوند، نه مرحوم نائینی و نه دیگران با توجه به اینکه شیخ تصریح کرده ما که قصد وصول به ذی المقدمه را معتبر می‌دانیم در همه مقدمات معتبر نمی‌دانیم، در مقدمات عبادی که امتثال تحقق پیدا می‌کند شرط می‌دانیم. با اینکه این تصریح را دارند، اما آنچه در ذیل کلام ایشان در رد فرمایش مشهور بیان کرده‌اند، یک دلیل کلی است.

در آخر می‌فرمایند حکم عقل تعلق پیدا کرده به مقدمه بما أنها مقدمة، این یک مقدمه. مقدمه دوم امتثال در فرضی است که همان عنوان متعلق را قصد کنیم. اگر این دو را کنار هم بگذاریم نتیجه این می‌شود که در همه مقدمات جریان دارد و اختصاص به مقدمات عبادیه ندارد.

این تحلیل و بررسی یک قسمت از کلام شیخ. البته ما هنوز دلیل شیخ را رد یا تأیید نکرده‌ایم فقط یک نتیجه‌گیری کرده‌ایم.

احتمالات مرحوم نائینی نسبت به کلام مرحوم شیخ

مرحوم نائینی (اجود التقريرات: 340) می‌فرمایند از عبارات شیخ سه احتمال استفاده می‌کنیم. ولی در هیچیک از سه احتمال، مرحوم نائینی این احتمال را مطرح نمی‌کنند که قصد وصول به ذی المقدمه، قید برای وجوب است.

احتمال اول: از ظاهر برخی عبارت شیخ استفاده می‌شود که قصد وصول به ذی المقدمه در تحقق امتثال دخالت دارد.

احتمال دوم: قصد وصول به ذی المقدمه، قید برای واجب است نه قید برای وجوب. واجب همان متعلق است. بگوییم این قصد، قید برای واجب است، یعنی وجوب روی ذات نیامده، روی ذات مقید به قصد وصول به ذی المقدمه آمده، قید برای واجب است.

قبل از اینکه احتمال سوم را بیان کنیم به نظر ما احتمال دوم برگشت به احتمال اول می‌کند. اینکه مرحوم نائینی بین آنها تفکیک کرده این فرمایش تام نیست.

مرحوم شیخ در اول عبارت وقتی این نزاع را بیان می‌کند، فرموده: «بل يعتبر فی وقوعه على صفة الوجوب»، یعنی «بل يعتبر» در وقوع این واجب غیری در وصف وجوب، یعنی اگر واجب غیری بخواهد بعنوان مصداق واجب واقع شود و تحقق پیدا کند، آیا معتبر است «ان يكون الآتى بها قاصدا للوصول على الغير أم لا يعتبر»، مرحوم نائینی از این عبارت، احتمال دوم را استفاده کرده‌اند، اما واقع این است که این احتمال دوم هم به احتمال اول بر می‌گردد.

وقتی می‌گوییم آیا در متعلق، قید وصول به غیر است یا نیست؟ به عبارت ساده آیا واجب، مقید به این غیر است یا نه؟ به این معناست که آیا در تحقق امتثال، این غیر شرطیت دارد یا نه؟

اگر این حرف شیخ را نداشتیم که ایشان فرموده‌اند نزاع و اشکال فقط در مقدمات عبادی است، می‌شد گفت احتمال دوم مستقل است و می‌توانستیم بگوییم در مطلق مقدمات، در مطلق واجبات غیری، آیا واجب غیری و متعلق وجود آیا مطلقاً مقید به قصد وصول به غیر است یا نه؟

هر چه فکر کردیم که این احتمال دوم را یک احتمال جدایی از احتمال اول بیاوریم این نمی‌شود، با توجه به اینکه شیخ نزاع را به مقدمات عبادیه اختصاص داده. با توجه به این نکته نمی‌توانیم بگوییم دو احتمال هستند.

مرحوم نائینی در ذیل احتمال دوم بیانی دارند. ایشان وقتی احتمال را بیان کرده، فرموده اگر مراد شیخ از اینکه قصد وصول به ذی المقدمه لازم است، این فقط از نظر امتثال باشد، ما قبول داریم که برای تحقق امتثال، قصد وصول به ذی المقدمه لازم است. دیگران مانند مرحوم امام هم فرموده‌اند اگر این باشد قابل قبول است. مرحوم آقای خویی هم (محاضرات 2: 409) آن را پذیرفته‌اند.

اما مرحوم نائینی می‌روند سراغ احتمال سوّم، در احتمال دوّم می‌فرمایند قصد وصول دخالتی در مقدمیت مقدمه ندارد و چیزی که دخالت در غرض مولا ندارد محال است در متعلق دستور مولا اخذ شود.

این اشکال را به مرحوم شیخ دارند و بعد کلامی مرحوم نائینی نقل می‌کنند از مرحوم شیخ و بعد این کلام را مورد مناقشه قرار می‌دهند و می‌روند سراغ احتمال سوّم.

در بحث بعدی روی احتمال سوّم و مطالبی که نائینی در اینجا فرموده‌اند و مطلبی هم مرحوم محقق اصفهانی دارند که مطلب دقیقی است که إن شاء الله بحث می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين